

آثار سلامت معنوی بر استحکام خانواده

فاطمه بارانی^۱

چکیده

قرآن کریم به عنوان منبع اصلی هدایت در اسلام، نقش محوری خانواده را در تأمین سعادت انسان و ارتقای سلامت معنوی جامعه مورد تأکید قرار می‌دهد. این کتاب آسمانی، خانواده را به عنوان نهادی دو سویه معرفی می‌کند که هم از اجتماع تأثیر می‌پذیرد و هم بر آن تأثیرگذار است. خانواده به عنوان اولین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی، پتانسیل هدایت انسان به سوی عالی‌ترین مراتب معنوی، یعنی قرب الهی را دارا می‌باشد. این نهاد بنیادین باید به گونه‌ای هدایت شود که موجب ارتقای سلامت خود و جامعه گردد. سلامت، به معنای هماهنگی بین روح و جسم است. در این راستا، سلامت معنوی خانواده به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن، محیط خانواده و اعضای آن از عوامل مخل این هماهنگی دوری می‌گزینند. این پژوهش با هدف بررسی نقش و آثار سلامت معنوی بر استحکام خانواده صورت گرفته است. روش تحقیق در این پژوهش پس از جمع‌آوری مطالب به شیوه‌های کتابخانه‌ای، مروری و اسنادی، به تجزیه و تحلیل توصیفی مفهوم سلامت معنوی در استحکام خانواده پرداخته شد. و ابزار پژوهش شامل منابع کتابها و مجلات و مروری و اسنادی بوده است. نتایج نشان داد وجود معنویت در خانواده علاوه بر ایجاد پیوندهای بین افراد خانواده می‌تواند پیوندهایی بین اعضا ایجاد نماید، باعث حفظ آرامش خانواده شود و سلامت فردی و اجتماعی خانواده را فراهم نماید و به طور کلی عملکرد خانواده را بهبود ببخشد.

واژگان کلیدی: سلامت، سلامت معنوی، استحکام، خانواده.

^۱. طلبه حوزه علمیه زینبیه (سلام الله علیها) شهرستان زهک، شماره تماس: ۰۹۰۱۰۶۸۹۱۶۶.

اهمیت پرداختن به موضوع «تحکیم خانواده»، ریشه در اهمیت نهاد خانواده دارد. نهاد مقدس خانواده، رکن بنیادین اجتماع بشری و محمل فرهنگ‌های گوناگون است تا آنجا که سعادت و شقاوت امت‌ها، مرهون رشادت و ضلالت خانواده می‌باشد. اولین شرط داشتن جامعه‌ای سالم و پویا، سلامت و پایداری خانواده است. همه دستاوردهای علمی و هنری بشر در سایه خانواده‌های سالم و امن پدید آمده است. خانواده بنیادی‌ترین نهاد در جامعه انسانی است که وظیفه تربیت و سازندگی افراد و انسان‌ها را بر عهده دارد و اگر افراد نتوانند خانواده را تحکیم بخشند و افرادی باایمان در آن پرورش دهند، نمی‌توانند جامعه‌ای ایده‌آل برای نسل آینده بسازند و از فرهنگ ایمانی خود جا مانده و به اهداف متعالی خود نمی‌رسند. در واقع، آن قدر که اسلام به تحکیم بنیان خانواده اهمیت داده و در دستورات خود گام به گام آن را دنبال نموده است، مکتب‌های دیگر به استقرار و پایداری خانواده بها و ارزش نداده است. اسلام پیش از همه، می‌خواهد یک فضای عاطفی و محبت آمیز در محیط خانواده پدید آید و روابط بین اعضای آن بیش از پیش پایدار گردد. خانواده‌ای از منظر اسلام خوش بخت است که دوستی، صداقت و وفاداری بر فضای آن حاکم باشد؛ زیرا با اختلاف، بدبینی، و خودمحوری، شیرازه خانواده از هم می‌پاشد. می‌توان گفت، در دنیای امروز علیرغم پیشرفت‌های علمی و سرعت روزافزون آن، نیاز به معنویت در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها به وضوح احساس می‌شود. واضح است که هدف ما به آن بخش از معنویت مدرن سکولار که متأسفانه در برخی از جوامع امروز به چشم می‌خورد و در قالب عرفان و مفاهیم دیگر به مردم تزریق می‌شود، نیست؛ بلکه منظور آن معنویت حقیقی منطبق با مبانی دین اسلام و برگرفته از تعالیم روح‌بخش قرآن و عترت است که به زندگی انسان‌ها شور، عشق و معنا می‌بخشد. از دیدگاهی دیگر سلامت فرد و جامعه از گذشته‌های دور در ابعاد مختلف جسمانی، روانی و اجتماعی قابل بررسی بوده و امروزه با توجه به ضرورت برطرف ساختن نیازها و احتیاجات بشر از طریق دین، سلامت معنوی نیز به ابعاد فوق اضافه شده است.

۱. تعاریف و مفاهیم:

الف: تعریف خانواده

از بدو پیدایش انسان بر روی کره زمین، همواره زنان و مردان، با تشکیل کانونی به نام خانواده عمری را در کنار یکدیگر گذرانیده و فرزندی در دامن پر مهر خویش پرورانده و از این جهان رخت بر بسته‌اند. طبیعی‌ترین شکل خانواده همین است که هیچ عاملی جز مرگ نتواند پیوند زناشویی را بگسلد، و میان زن و شوهر جدایی افکند. برای تعریف کامل خانواده می‌توان از دیدگاه‌های مختلف بهره گرفت، که پاره‌ای از این تعاریف سطحی و پاره‌ای دیگر عمیق‌اند و پرواضح است، که هرچه دیدگاه ما عمیق‌تر باشد به شناختی کامل‌تر و قابل اعتمادتر رسیده‌ایم، و هرچه شناخت کامل و عمیق باشد بهتر می‌توانیم به این نهاد مقدس رونق ببخشیم و تنزل و ناپایداری را از محیط آن دور سازیم.^۱

خانواده در لغت به معنی خاندان، دودمان، فامیل، اعضای خانه و یا گروهی از افراد دارای پیوند سببی و نسبی است. در اصطلاح واحد اجتماعی را گویند که عناصر اصلی تشکیل دهنده آن یک زن و یک مرد است، که مطابق آداب و رسوم اجتماعی خویش با یکدیگر پیوند زناشویی بسته‌اند و بعد فرزندی یا فرزندی بر جمع آنها افزوده شده‌اند. در مشرق زمین معنی وسیع‌تری پیدا می‌کند و اغلب بستگان دور و نزدیک نیز جزء خانواده به شمار می‌روند. اما در تمدن مغرب زمین، کلمه فامیل بیشتر به پدر و مادر و فرزندان آنها اطلاق می‌شود. در قوانین رومی و عبرانی اختیار کامل اداره خانواده به پدر واگذار شده بود. در دنیای غرب به واسطه تساوی حقوق زنان که از قرن ۱۹ میلادی به بعد آغاز گشت و علاقه‌ای که دولت در تربیت اطفال دارد تغییرات عمده‌ای در رابطه افراد خانواده نسبت به یکدیگر و نسبت به جامعه صورت گرفته است که این تغییرات موجب ناراحتی‌های روحی و اجتماعی بسیار شده است که کم کم جامعه باید خود را به آنها عادت دهد.^۲

تعاریف متعددی از خانواده ارائه شده است که این تعاریف عبارتند از:

خانواده گروهی از افراد است که از طریق هم‌خونی، ازدواج یا فرزندخواندگی به هم پیوند خورده و کارکرد اجتماعی اصلی آنها تولید مثل است.^۳ «همچنین خانواده متشکل از افرادی است که از طریق پیوند زناشویی، هم‌خونی یا

۱. بهشتی، خانواده در قرآن، ص ۳۴

۲. مصاحب، دائرة المعارف فارسی، ج ۱، ۱۸۸

۳. ساروخانی، مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، ص ۱۳۵

پذیرش فرزند با یکدیگر به عنوان زن، مادر، پدر، شوهر، برادر، خواهر و فرزند در ارتباط متقابل هستند؛ فرهنگ مشترک پدید می‌آورند و در واحد خاص زندگی می‌کنند^۱. و یا خانواده همچون گروهی از افراد است که روابط آنان با یکدیگر بر اساس هم‌خونی شکل می‌گیرد و نسبت به یکدیگر خویشاوند محسوب می‌شوند^۲. برگس و لاک می‌نویسد: «خانواده گروهی است متشکل از افرادی که از طریق پیوند زناشویی، هم‌خونی، و یا پذیرش (به عنوان فرزند) با یکدیگر به عنوان شوهر، زن، مادر، پدر، برادر و خواهر در ارتباط متقابلند و فرهنگ مشترکی پدید آورده و در واحد خاصی زندگی می‌کنند^۳. مک آیور از دیگر جامعه‌شناسان خانواده می‌گوید: «خانواده گروهی است دارای روابط جنسی چنان پایا و مشخص که به تولیدمثل و تربیت فرزندان منجر گردد». سازمان ملل متحد (۱۹۹۴)، خانواده را چنین تعریف می‌نماید: «خانواده یا خانوار به گروه دو یا چند نفره‌ای اطلاق می‌شود که با هم زندگی می‌کنند؛ درآمد مشترک برای غذا و دیگر ضروریات زندگی دارند و از طریق خون، فرزندخواندگی یا ازدواج، با هم نسبت دارند. در یک خانواده ممکن است یک یا چند خانواده زندگی کنند، تمام خانوارها، هم خانواده نیستند^۴».

ب: معنویت

این واژه از کلمه لاتین (spiritus) به معنی نفس و از ریشه‌ی (spirare) به معنی دمیدن یا نفس کشیدن می‌آید. در ترجمه‌های لاتین عهد جدید (spiritualis) یا شخص معنوی، کسی است که زندگی‌اش تحت امر یا نفوذ روح القدس یا خداست.^۵

معنویت در اصل یک کلمه عربی است که در اصطلاح «ادبیات عرب» به آن «مصدر صناعی» می‌گویند و ماده اصلی آن «عَنَی» بوده و اسم مفعول آن «مَعْنَى» می‌باشد. در لغت‌نامه‌های فارسی معانی متعددی را برای آن بیان کرده اند از جمله: معنوی بودن (صفت نسبی) منسوب و مربوط به معنی، ضد و مقابل لفظی؛ حقیقی، راست، اصلی، ذاتی، مطلق، باطنی و روحانی، مقابل مادی، صوری و ظاهری. منظور از معنا امری است که فقط به وسیله

۱. قنادان، جامعه‌شناسی مفاهیم کلیدی، ص ۱۴۸

۲. همان، ص ۱۴۹

۳. ساروخانی، جامعه‌شناسی خانواده، ص ۱۳۵

۴. نجاریان، عوامل مؤثر در کارایی خانواده، ص ۱۹

۵. وولف، روانشناسی دین، ص ۳۸

قلب شناخته می‌شود. و زبان را در آن بهره‌ای نیست. مراد از معنی هرچه قصد شود از چیزی، هر چیزی که شخص قصد می‌کند و مقصود در این جا جمع معانی است.^۱

مجموعه جنبه‌های فکری، اخلاقی، فرهنگی و عاطفی انسان یا محصولات فکری او را «معنویت» گویند. وقتی معنوی را معنی می‌کنند، می‌گویند: معنوی، مربوط به باطن، درون، فکر، عقل یا احساس درونی می‌باشد^۲.

برخی این واژه را به معنی «قصد» گرفته‌اند. (معلوف و ابن اثیر استفاده از نرم افزار متنا) و برخی دیگر «خضوع و خشوع» معنی کرده‌اند. (جوهری، صحاح اللغة، استفاده از نرم افزار متنا) اما احمد ابن فارس، معنی دقیق‌تری را ذکر نموده است: «عنی: العین و النون و الحرف المعتل اصول الثلاثة: الاول القصد للشیء بانکماش فیه و حرص علیه و الثانی دالّ علی الخضوع و ذلّ و الثالث ظهور شیء و بُروزه»^۳.

واژه معنویت و مشتقات آن در منابع اصیل اسلامی به کار نرفته است، ولی در ادبیات مسلمانان هم در زبان عربی و هم در زبان فارسی، رواج یافته است. کلمه معنویت مصدر جعلی از معنوی ساخته شده است. کلمه معنوی با افزودن یای نسبت به آن از واژه معنی که خود مصدر میمی بوده و مفاد آن مقصود و مراد است، مشتق شده است؛ بنابراین معنوی منسوب به معنی و در مقابل لفظی است. معنی امری است که در ورای الفاظ و عبارات قرار دارد و الفاظ و عبارات از آن حکایت می‌کند؛ از این رو معنا به موقعیتی اشاره دارد که دست کم شامل دولایه باشد: یکی ظاهر که حکایتگر است و یکی باطن که محکی است؛ به عنوان مثال هنگامی که از متنی معنادار سخن می‌گوییم به متنی اشاره می‌کنیم که کلمات و عباراتش به حقایق در جهان عینی و خارجی یا حقایق ذهنی در روان نویسنده اشاره داشته باشد. اگر مکتوبی از عهده چنین ارتباطی بر نیاید بی‌معنا تلقی خواهد شد. علت این امر آن است که هرگونه بیانی، ابزاری است برای دلالت بر حقیقتی اساسی‌تر که مدلول آن به حساب می‌آید؛ شبیه همین رابطه میان یک عمل و معنای آن وجود دارد. در علوم اجتماعی سخن از رفتار معنادار است و مقصود از آن عملی است که برای رسیدن به مقصود و هدفی خاص از فاعل سر می‌زند؛ به گونه‌ای که اگر چنین هدفی در کار نباشد، عملی بی‌معنا و احمقانه تلقی می‌شود.^۴ همان گونه که در ورای الفاظ و اعمال معنایی قرار دارد، در مورد زندگی نیز می‌توان گفت که خود زندگی موقتی و محدود دنیوی و اجزای آن نمی‌توانند مطلوب و مقصود نهایی باشند. معنای

۱. دهخدا، لغتنامه دهخدا، ص ۷۶۴

۲. انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ۷، ص ۷۱۸۲

۳. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ص ۶۷۸

۴. پایگاه اطلاع‌رسانی فرهنگستان علوم پزشکی ایران، ۱۵/۰۴/۹۴، www.ams.ac.ir

خودپسندی و بیگانگی از خُلق خدا است. در عین حال، بُخل، سختگیری و خسیس بودن نیز به همین اندازه زشت، ناپسند و نکوهیده است.^۱

ج: صبر و پایداری زندگی

در قرآن به دفعات به صبر و بالا بردن سطح مقاومت بارها سفارش شده است: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ...» از صبر و نماز یاری جویید^۲. بر اساس این آیه، قرآن به صبر و شکیبایی فراخوانده است. آموزه و توصیه اسلام و قرآن در عرصه‌های زندگی پُرغوغا و پُرآشوب، کسب صفات ایمان در برابر کفر و بی‌دینی، عمل و کار نیک در برابر بی‌عملی و بی‌تقوایی، پیروی از حق و حقیقت در برابر باطل و ناحق، و صبر و مقاومت در برابر مشکلات و مصایب است: «وَالْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ * إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» سوگند به عصر * که انسان‌ها همه در زیانند، * مگر کسانی که ایمان آورده‌اند و اعمال صالح انجام داده‌اند و یکدیگر را به حق سفارش می‌کنند و یکدیگر را به شکیبایی و استقامت توصیه می‌نمایند^۳.

بی‌تابی و بی‌طاقتی مصیبت و مشکلات انسان را افزون می‌کند. امام کاظم (علیه السلام) فرمودند: «الْمُصِيبَةُ لِلصَّابِرِ وَاحِدَةٌ وَلِلْجَازِعِ اثْنَتَانِ؛ مصیبت برای شخص بردبار یکی است و برای شخص بی‌قرار دو تا»^۴. این از آن روست که برای فرد شکیبا تنها آسیب ناشی از مصیبت باقی می‌ماند که آن هم در اثر صبر، از هم فرو می‌پاشد. چنان‌که امام علی (علیه السلام) فرمودند: «الصَّبْرُ يَمْحُصُ الرَّزِيَّةَ؛ شکیبایی مصیبت را از هم می‌پاشد». اما برای فرد بی‌قرار و بی‌تاب، هم آسیب ناشی از مصیبت می‌ماند و هم آسیب‌های ناشی از بی‌تابی‌ها، لذا اگر بی‌تابی بر کسی چیره شود، روی آسایش را نخواهد دید.^۵

۱. مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، صص ۱۵۴-۱۴۶

۲. البقره/ ۴۵

۳. العصر/ ۱-۳

۴. حرّانی، تحف العقول، ص ۴۱۵

۵. آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۸۴

نتیجه گیری

خانواده، به عنوان رکن بنیادین جامعه انسانی، نقش مهمی در سلامت اجتماع بشری دارد و نهاد خانواده همواره محمل فرهنگ های گوناگون و یا محل آغاز حرکت های بزرگ علمی، سیاسی و فرهنگی بوده است؛ بنابراین بدون توجه به آن هرگز نمی توان به سلامت روحی و کمالی فرد یا جامعه انسانی اندیشید. در واقع معنویت، نقش بسزایی در کامیابی و سعادت یک زندگی مشترک دارد و می تواند با حل مشکلات و برطرف کردن نارسایی های نظام خانواده و اجتماع انسان را به هدف عالی تشکیل خانواده و زندگی برساند. در واقع، معنویت به زندگی انسان معنا می بخشد به طوری که در خانواده ای که ایمان اصل قرار داده شود و محور زندگی مشترک بر معنویت قرار بگیرد و زندگی مشترک بر پایه معیارهایی که اسلام و قرآن عنوان می کنند، پایه ریزی شود، دستیابی به ازدواج موفق امکان پذیر شده و موجب خوشنودی خداوند و پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) و همچنین، تحسین دیگران می شود.

می توان گفت، گسترش معنویت در خانواده می تواند از طریق ایجاد محیطی مثبت و حمایت کننده، تقویت ارتباطات خانوادگی، و ترویج فعالیت های معنوی مشترک انجام شود. این امر شامل آموزش اخلاق و ارزش های معنوی به کودکان، برگزاری مراسم مذهبی خانوادگی، و ایجاد فرصت هایی برای تفکر و تأمل در مسائل معنوی است. همچنین، توجه به نیازهای عاطفی و روحی اعضای خانواده و تشویق آنها به کمک به دیگران می تواند به ارتقای معنویت در خانواده کمک کند.

منابع

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

۱. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، قم، علامه. ۱۳۷۹
۲. ابن فارس، احمد. معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الاعلام الإسلامی. ۱۴۰۴ق
۳. ابوالقاسمی، محمدجواد، مفهوم شناسی سلامت معنوی و گستره آن در نگرش دینی، اخلاق پزشکی، ش ۲۰، ۱۳۹۱
۴. اصفهانی، سیدمهدی، سلامت معنوی و دیدگاه ها، اخلاق پزشکی، ش ۱۴، ۱۳۸۹
۵. امیدواری، سپیده، سلامت معنوی؛ مفاهیم و چالش ها، پژوهش های میان رشته ای قرآنی، ش ۱، ۱۳۸۷
۶. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۱.
۷. بهشتی، احمد. خانواده در قرآن ۳. قم: انتشارات طریق القدس. ۱۳۶۱
۸. بهشتی، محمد، مبانی تربیت از دیدگاه قرآن، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، ۱۳۸۶ش.
۹. پایگاه اطلاع رسانی فرهنگستان علوم پزشکی ایران، ۱۵/۰۴/۹۴، www.ams.ac.ir
۱۰. جمعی از مترجمان. ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات فراهانی. ۱۳۶۰
۱۱. جین کتس، پیردی، آلیسون، داگلاس، جنی. ارتقا سلامت. (دانش و رفتار)، ترجمه: داوود شجاعی زاده و دیگران، تهران: آینده سازان - شهرآب. ۱۳۸۴
۱۲. حرّانی، حسن بن علی. تحف العقول. قم: جامعه مدرّسین. ۱۳۶۳
۱۳. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷.
۱۴. دورانت، ویل. لذّات فلسفه. ترجمه عبّاس زریاب. تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی. ۱۳۷۱

۱۵. ساروخانی، باقر. مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، تهران، سروش. ۱۳۷۰
۱۶. ساروخانی، باقر، جامعه شناسی خانواده، تهران، سروش، ۱۳۷۹.
۱۷. سالاری فر، محمدرضا. درآمدی بر نظام خانواده در اسلام. چاپ دوم. قم: مرکز نشر هاجر. بی تا.
۱۸. سالاری فر، محمدرضا و همکاران، بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹ش.
۱۹. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم؛ قم: دارالکتب الاسلامیه. ۱۴۱۰
۲۰. صانعی، سیدمهدی، نقش الگوسازی در رشد و سقوط انسان، فصلنامه دانشکده الهیات و معارف مشهد، شماره ۴۷ و ۴۸، ۱۳۷۹
۲۱. عباسی، محمود؛ عزیزی، فریدون؛ شمسی کوشکی، احسان؛ ناصری راد، محسن؛ اکبری، مریم، تعریف مفهومی و عملیاتی سازی سلامت معنوی، اخلاق پزشکی، ۱۳۹۱
۲۲. عطاری، عزیزالله، مسند الامام الرضا، انتشارات، عطارد، محل نشر: تهران، ۱۳۹۱
۲۳. قنادان، منصور، جامعه شناسی مفاهیم کلیدی، تهران، آوای نور، ۱۳۷۵
۲۴. کریمی، عبدالعظیم، راز و راه سلامت معنوی، فصلنامه پژوهش های تربیت اسلامی، ۱۴. ۱۳۸۸
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه. ۱۳۶۳
۲۶. مجلسی، محمدباقر. بحار الأنوار. بیروت: مؤسسه الوفاء. ۱۴۰۳.
۲۷. محقق داماد، مصطفی، مقومات معنوی سلامت در الهیات اسلامی، اخلاق پزشکی، شماره ۱۴، ۱۳۸۹
۲۸. مردانی، محمدحسین، چیستی و ماهیت شادی در قرآن و روایات و راهکارهایی برای شاد زیستن، پیوند، ۱۳۹۱.۱
۲۹. مرزبند، رحمت الله، زکوی، علی اصغر، شاخص های سلامت معنوی از منظر آموزه های وحیانی، اخلاق پزشکی، ۱۳۹۱

۳۰. مصاحب، غلامحسین. **دائرة المعارف فارسی**. چاپ چهارم. تهران: انتشارات امیرکبیر. ۱۳۸۳
۳۱. مظاهری، حسین. **اخلاق و جوان**. جلد اول. قم: انتشارات شفق. ۱۳۷۶
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. **تفسیر نمونه**. تهران: منشورات دارالکُتُب الإسلامیّه. ۱۳۵۴
۳۳. نجاریان، فرزانه، **عوامل مؤثر در کارایی خانواده**، دانشگاه آزاد اسلامی (پایان نامه کارشناسی ارشد)، ۱۳۷۵
۳۴. وفایی همدانی، کاظم، **دره البیضاء**، دفتر تبلیغات مسجدالرسول (ص)، تهران، ۱۳۵۳
۳۵. وولف دیوید؛ **روانشناسی دین**؛ ترجمه محمد دهقانی، تهران: رشد، ۱۳۸۶